

مجله سیاست دفاعی

شماره مسلسل ۱۹ بهار ۷۶

تبلیغات و تهدید در پوشش خبری سرنگونی هواپیمای ایرباس ۱۶۵۵ ایران

نویسنده: دکتر محمدحسن محسن *

مترجم: سید سعادت حسینی دمابی

چکیده

در این مقاله، نویسنده برخورد سوگیرانه رسانه‌های غربی در جریان پوشش خبری حادثه سرنگونی هواپیمای ایرباس ۱۶۵۵ ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر نویسنده برخورد رسانه‌های غربی در برابر این حادثه تحت تأثیر روند سیاسی یعنی تنش ایران و غرب بوده است. از نظر نویسنده، روند اول در پوشش خبری این حادثه این بود که منابع خبری اروپا درست همان چیزی را گفتند که در تفاسیر آمریکائیان شنیده می‌شد. این منابع اشتباه این فاجعه را به عهده ایران می‌گذاشتند.

ایالات متحده، بحث "دفاع مشروع" را مطرح نمود. اما در روند دوم، این حادثه به عنوان "یک خطای انسانی" مطرح گردید. اینجا بود که بحث دفاع مشروع در خبرها جای خود را به بحث "انتقام ایران و احتمال قتل گروگانها توسط ایرانیها" در بیروت داد.



با سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران در سوم ژوئیه ۱۹۸۸، توسط رزمناو آمریکایی وینسنس در آبهای خلیج فارس، پرسشهایی در باره دقت و تفسیر این حادثه در مطبوعات بریتانیا مطرح گردید و این هنگامی بود که تنش شدیدی بین غرب و ایران وجود داشت.

* نویسنده، مدیر طرح و برنامه تلویزیون حزب... لبنان (المنار) می‌باشد. بدین وسیله از ایشان که مقاله حاضر را جهت چاپ در اختیار نشریه سیاست دفاعی قرار دادند قدردانی می‌گردد.

با بررسی روایت‌هایی از طرف آمریکا که بعضاً مورد حمایت نگرش‌های مقامات رسمی بریتانیا نیز قرار می‌گرفت، به این نتیجه رسیدم که مباحث واقعی پوشش خبری حادثه هواپیمای ۶۰۰ ر اتبلیغات سیاسی ایالات متحده برای مقصر جلوه دادن ایر انیها تشکیل می‌داد.

دولت‌های غربی و سیاستمداران بویژه در ایالات متحده می‌کوشند اطلاعات و تفاسیر سیاسی در باره رویدادها و موقعیتهایی که برای آنها بسیار اهمیت دارد را تحت نفوذ خود در آورند. اما اگر از قبل یک نوع تنش نظامی و سیاسی مانند تنش بین ایالات متحده و ایران وجود داشته باشد، این تلاش دو چندان می‌شود، و ضرورت کنترل و دستکاری اخبار افزایش می‌یابد.

در این مقاله می‌بینیم که چطور دولت‌های غربی و سیاستمداران بویژه در ایالات متحده می‌کوشند اطلاعات و تفاسیر سیاسی در باره رویدادها و موقعیتهایی که برای آنها بسیار اهمیت دارد را تحت نفوذ خود در آورند. اما اگر از قبل یک نوع تنش نظامی و سیاسی مانند تنش بین ایالات متحده و ایران وجود داشته باشد، این تلاش دو چندان می‌شود، و ضرورت کنترل و دستکاری اخبار افزایش می‌یابد.

نقش رسانه‌ها در رابطه با این گونه مسائل سیاسی عموماً تحت تأثیر روند سیاسی موجود می‌باشد و آن گونه که تحقیقات نشان داده است، این روند سیاسی است که به این رسانه‌ها به جای هویت انتقادی بودن هویتی تاییدی^(۱) می‌بخشد، بویژه هنگامیکه شکست اجماع سیاسی جدی نیست و سبب اختلاف نظر در آن روند سیاسی نمی‌گردد.

در این مقاله نویسنده تلاش می‌کند تا مشخص سازد که چگونه منابع سیاسی غرب برای رسیدن به بعضی اهداف سیاسی بین‌المللی، اخبار مربوط به ایران، هواپیمای ایرباس ایران و ایران در خلیج فارس را کنترل کرده‌اند.

اما چارچوب نظری این مقاله بروز ارتباط سیاسی از زاویه تعامل بین مقامات و مطبوعات خواهد بود.

نمونه‌ها و روش

در این چارچوب نویسنده می‌کوشد نحوه پوشش حادثه سرنگونی هواپیمای مسافربری

در مطبوعات بریتانیا را بررسی کند. چهار نمونه از روزنامه های بریتانیایی با نام های گاردین ، تایمز، دیلی اکسپرس، و دیلی میروور که هر کدام برحسب خوانندگان، نگرشهای سیاسی، کیفیت، شهرت و طرح و شکلی که دارند نمایانگر مطبوعات ملی بریتانیا هستند، مورد تحلیل قرار خواهند گرفت.

در این تحلیل، پوشش یک هفته ای حادثه مذکور از چهارم ژوئیه تا نهم همان ماه در سال ۱۹۸۸، بررسی خواهد شد. تمامی مطالب منتشره در چهار روزنامه فوق الذکر بررسی خواهد شد، که روی هم در برگیرنده ۱۴۳ عنوان، ۷۷ داستان خبری، ۷ تفسیر مهم، ۴ تحلیل ۴۶ تصویر و ۹ نامه به سردبیر می باشد. روزنامه گاردین بیشتر از سه روزنامه دیگر به شرح رویداد پرداخته است با ۵۲ عنوان، و پس از آن تایمز قرار دارد با ۴۴ عنوان سپس روزنامه اکسپرس با ۳۵ عنوان، و درمر حله آخر روزنامه دیلی میروور با (۱۲ عنوان).

هدف از بررسی این پوشش خبری، تحلیل محتوایی به لحاظ کمی و کیفی می باشد. اما چون این تحلیل، نگاهی عمیق تر به قضیه پوشش دارد، و تنها به تحلیل کمی بسنده نمی کند، بیشتر جنبه کیفی دارد، زیرا تحلیل کمی آنقدر به توضیحات می پردازد که با آن نمی توان فهمید چرا ماجرای هواپیمای ایرباس آنطور که دیدیم تحت پوشش قرار گرفت. در این مورد تحلیل کمی تا اندازه ای مفید می باشد. سیستم کدبندی برای مشاهده منابع اخبار و موقعیتهای آنها، عناوینی که توسط گروهها برای تشریح حادثه مورد استفاده قرار گرفت، شرایط حادثه، گروه هایی که بخاطر حادثه مورد باز خواست قرار گرفتند و تهدیدات ایرانیها تمام این موارد به نویسنده این امکان را می دهد تا رابطه تعاملی بین مطبوعات و مقامات و کارشناسان غربی و چگونگی نفوذ آنها در پوشش و تسلط آنها بر روایتهای حادثه را مشخص سازد.

کم توجهی به هواپیمای ۶۵۵ ایران

پیش از اینکه در باره تبلیغات و مباحث تهدید در پوشش خبری صحبت کنیم، بهتر است به بعضی تفاوتها بین میزان پوشش این حادثه و رویداد سرنگونی هواپیمای

**روزنامه نیویورک تایمز به تنهایی با گستردگی بیشتری به قضیه هواپیمای
کره ای پرداخت، در حالیکه ۴ روزنامه بریتانیایی با قضیه هواپیمای ایرانی با**

چنین گستردگی برخورد نکردند.

مسافری گره در سال ۱۹۸۳ پردازیم. برای نمونه، نیویورک تایمز پس از حادثه هواپیمای مسافربری کره (هرمان، ۸۶ صفحه ۱۸۹) ۱۴۷ عنوان را گزارش داد، در صورتیکه چهار روزنامه بریتانیایی تقریباً همین میزان را گزارش دادند، به سخن دیگر روزنامه نیویورک تایمز به تنهایی با گستردگی بیشتری به قضیه هواپیمای کره‌ای پرداخت، در حالیکه ۴ روزنامه بریتانیایی با قضیه هواپیمای ایرانی با چنین گستردگی برخورد نکردند. نمونه دیگر، بریان ماک نایر (۱۹۸۸) می‌باشد که زمان صرف شده برای پوشش خبری هواپیمای کره و ایرباس ایران در اخبار تلویزیونی را مورد بررسی تطبیقی قرار داد. ماک مایر اظهار نمود که ۴۸ ساعت پس از حادثه سرنگونی هواپیمای کره، اخبار ساعت ۹ شبکه بی بی سی، ۱۹ دقیقه از ۲۵ دقیقه وقت خبری را صرف رویداد مذکور نمود. اخبار شبکه ITN در ساعت ۱۰ طی ۱۳ دقیقه به شرح این حادثه پرداخت، در حالی که پخش اخبار سرنگونی ایرباس ایران تنها ۵ دقیقه و ۴۰ ثانیه در اخبار ساعت ۹ و ۴ دقیقه و ۶ ثانیه در اخبار ساعت ۱۰ (ماک نایر، ۸۸، صفحه ۴۵) بطول انجامید. به روشنی دیده شد که حادثه ایرباس به اندازه حادثه مشابه خود یعنی سرنگونی هواپیمای کره‌ای مورد توجه قرار نگرفت. در هر دو مورد، ملاحظات سیاسی برای مشخص کردن قربانی کننده و قربانی شونده متفاوت بود.

در مورد اتحاد جماهیر شوروی، حادثه هواپیمای کره‌ای جنایتی بی‌رحمانه و در مورد ایالات متحده حادثه ایرباس، اقدامی در جهت دفاع مشروع تلقی گردید. و در مورد دوم می‌گفتند قربانیان ایرانی خود مسئول این حادثه هستند و آنها تنها کسانی هستند که باید بازخواست شوند. این مورد دقیقاً مانند آن موردی است که چریکهای فلسطین را تروریست خوانده، اما چریکهای افغان را مبارزین راه آزادی، می‌نامیدند. در هر مورد، رسانه‌ها از نمادهای ایدئولوژیکی استفاده می‌کنند.

با توجه به فرآیندهای سیاسی پس از این حادثه، و در جایی که تفاسیر ایدئولوژیک به پوشش خبری شکل می‌داد، باید گفت که رسانه‌ها با مسئله ابرقدرت قربانی کننده (در قضیه حادثه هواپیمای کره و حادثه هواپیمای ۶۵۵ ایران) بطور یکسان برخورد نمی‌کنند. در مورد اتحاد جماهیر شوروی، حادثه هواپیمای کره‌ای جنایتی بی‌رحمانه و در مورد ایالات متحده حادثه ایرباس، اقدامی در جهت دفاع مشروع تلقی گردید. و در مورد دوم می

گفتند قربانیان ایرانی خود مسئول این حادثه هستند و آنها تنها کسانی هستند که باید بازخواست شوند. این مورد دقیقاً مانند آن موردی است که چریکهای فلسطین را تروریست خوانده، اما چریکهای افغان را مبارزین راه آزادی، می نامیدند. در هر مورد، رسانه ها از نمادهای ایدئولوژیکی استفاده می کنند.

موقعیت مکانی، سرعت عمل راویان را تعیین می کند

اطلاعات ما نشانگر آن بود که ۷۷ در صد از اخبار از رسانه های غربی، یعنی دقیقاً از لندن، واشنگتن و نیویورک، و ۱۲ در صد از ایران و ۱۱ در صد از دوی و سایر کشورها بدست می آمد. موقعیت مهم خبرنگاران و گزارشگران در غرب به منابع آمریکایی فرصت داد تا بخش عمده خبرها را تحت نفوذ خود در آورند. موقعیت ضعیف خبرنگاران در ایران نیز موجب شد بخش قابل توجهی از روایتهای آنها در پوشش خبری حضور نداشته باشد.

روزنامه نگاران بریتانیایی، ایران را بخاطر این عدم هماهنگی در حضور خبرنگاران مقصر دانسته، می گویند که اگر ایران زمینه حضور خبرنگاران را فراهم سازد، پوشش خبری بیشتری برای رهبران آنها، سیاستهای آنان و نگرش آنان به مسائل بوجود خواهد آمد. بدون حضور خبرنگاران، این موضوعات، آنطور که باید در پوشش قرار نمی گیرند، زیرا همان گونه که روزنامه نگارانی چون هاروی موریس از ایندپندنت و ماری کولین از ساندی تایمز، مارتین و ولاکوت از گاردین، و دانیل ماک گوری (۱۹۹۰) از دیلی اکسپرس، گفته اند روزنامه نگاران در باره سیر تحولات انقلاب به اطلاعات دست دوم متوسل می شوند.

آمریکاییها به عنوان راویان اصلی

در سه روز اول پوشش خبری، روایتهای آمریکایی از این حادثه، پوشش خبری در چهار روزنامه را تحت الشعاع قرار داده بود. دولت ایالات متحده خود از نخستین راویان حادثه بود که در دسترسی به رسانه ها از موقعیت ممتازی برخوردار بود و در این رسانه ها به ارائه اطلاعات و اظهار نظر و تحلیل در باره آنچه روی داده بود پرداخت.

**مطبوعات بریتانیا در ارائه روایتهای دیگر نقشی ثانویه را ایفا کردند و
بگفته استوارت هال (۱۹۷۸)، تفاسیر مقامات رسمی آمریکا را بگونه ای دیگر**

بیان نمودند.

مطبوعات بریتانیا در ارائه روایتهای دیگر نقشی ثانویه را ایفا کردند و بگفته استوارت هال (۱۹۷۸)، تفاسیر مقامات رسمی آمریکا را بگونه‌ای دیگر بیان نمودند. اطلاعات ما نشانگر آن بود که ۶۴٪ از تمامی نقل قولها در پوشش خبری از رسانه‌های غربی مطرح گردید بیشتر این نقل قولها ۴۱٪ متعلق به ایالات متحده بود، در حالی که شخصیت‌های سیاسی و نظامی آمریکا جزء بازیگران اصلی بودند (۳۷٪). کارشناسان غربی پس از آمریکائیه‌ها قرار می‌گیرند که تجارب آنها و نظرات آنها در باره سرنگونی ایرباس ایرانی با آنچه آمریکائیه‌ها گفته بودند تفاوت نمی‌کرد. ۲۹٪ از این نقل قولها مربوط به ایران بود که آن هم بیشتر در یک فضای تهدید آمیز مطرح شد و که ما بعداً به آن خواهیم پرداخت.

به هر حال تسلط آمریکائیه‌ها بر این پوشش خبری موجب شد ما ندانیم که آنها برای شرح حادثه از چه مباحثی استفاده کرده بودند و روایتهای آنها در چه فضایی طرح شده بود و چه کسی مسئول حادثه بود. شاید بهتر باشد ما در باره دفاع مشروع، به عنوان اولین گام در کنترل اخبار آمریکا صحبت کنیم تا نقاط ابهام را روشن سازد و با آن بتوانیم مفاهیم تبلیغاتی را که ایالات متحده از آن استفاده کرد، بشناسیم.

گفتمان "دفاع مشروع"

آنچه در این پوشش خبری بسیار قابل توجه بود بحث "دفاع مشروع" و توجیه حادثه توسط مقامات ایالات متحده بود که این اقدام را "دفاع مشروع" قلمداد کردند زیرا نیروی دریایی این کشور پیشتر درگیر یک نوع "عملیات خصمانه" بود. در سراسر این پوشش خبری، ایالات متحده، سرنگونی هواپیمای ۶۵۵ ایران را به عنوان یک "تراژدی" و "گاه" تراژدی ترسناک انسانی" و کمی هم به عنوان "مرگ تراژیک" تلقی کردند. اما آن گونه که اطلاعات به ما نشان می‌دهد، دیدگاه آمریکائیه‌ها که مورد تأیید مقامات بریتانیا نیز بود این اقدام به عنوان یک اقدام "دفاع از خود" انجام شد. از نظر ایالات متحده این رویداد قابل درک است، "حادثه‌ای طبیعی" گریز ناپذیر" و مهمتر از همه "توجیه پذیر" بود، و بنا بر برخی از دلایل که نویسنده این مقاله در بحث مفاهیم تبلیغات در باره آنها سخن خواهد گفت. این کلمات کلیدی که آمریکائیه‌ها در توجیه اقدام خود بکار بردند، نشانگر ۳۹٪ از مجموع عباراتی بودند که گروه‌هایی چون ایرانیها، بریتانیائیه‌ها و غیره بکار بردند.

عبارات کلیدی که ایرانیها در تشریح حادثه بکار بردند (۱۸٪)، شبیه به کلماتی بودند که آمریکائیا خود از سرنگونی هواپیمای مسافربری گُره در سال ۱۹۸۳، مورد استفاده قرار دادند. ایرانیها از عباراتی چون "قتل عام وحشیانه"، "جنایت وحشیانه و بی رحمانه"، "جنایت ددمنشانه"، "حادثه از پیش طراحی شده"، "کشتار جمعی"، "حمله تروریستی"، "یورش عمومی" اقدام خشونت بار "و غیره ... استفاده کردند.

بیشتر واژه‌هایی که ایالات متحده در مورد حادثه هواپیمای کره بکار گرفت، عباراتی شدیدالحن بودند، زیرا اتحاد جماهیر شوروی در آن هنگام به عنوان دشمن غرب مطرح بود. اما هنگامی ایالات متحده در اقدامی شبیه به حادثه مذکور درگیر گردید، توصیف حادثه هواپیمای ۶۵۵ ایران، بالحنی آرام و به بهانه "دفاع مشروع" صورت گرفت.

معیار دوگانه آمریکائیا

برای بررسی دوگانگی‌ها یا معیار دوگانه آمریکائیا در بررسی یک موضوع با دیدگاههای متفاوت ابتدا مقایسه‌ای می‌کنیم بین زبانی که امریکائیا در تشریح سرنگونی هواپیمای مسافربری کره در سال ۱۹۸۳ توسط شورویها، بکار بردند و زبانی که در تشریح حادثه هواپیمای ۶۵۵ ایران بکار گرفته شد، که در آن مطبوعات بدون هیچگونه تحقیق جدی مسئله را دنبال نمود. جدول (۱) بیشتر واژه‌هایی که ایالات متحده در مورد حادثه هواپیمای کره بکار گرفت، عباراتی شدیدالحن بودند، زیرا اتحاد جماهیر شوروی در آن هنگام به عنوان دشمن غرب مطرح بود. اما هنگامی ایالات متحده در اقدامی شبیه به حادثه مذکور درگیر گردید، توصیف حادثه هواپیمای ۶۵۵ ایران، بالحنی آرام و به بهانه "دفاع مشروع" صورت گرفت.

کلماتی که برای اقدام شوروی بکار گرفته شد کلماتی که برای اقدام آمریکا بکار گرفته شد

(حادثه هواپیمای کره) (هواپیمای ۶۵۵ ایرانی)

•§A(14) CE°ozCEB'Alj>A -1/4/4U

(11) °jrAoU •§A(2) »~BL~î

(6) »Bv ⁻ A ⁺ ±h« (°jrAoU	n°oU
(8) ³]±«	»£k ⁻ nj
(4) ænÿMB> ³YjBe	(2) ³-B¼ze°
(5) jBT—A« ~B-UASv½BM»« ³Y ⁺ A³YjBe	(2) ³-B ^a en »M
(2) ð½rAoUðo«	(3) S½B@]
»ª]B ⁺ U kf	(2) °kª†
³YjBe	(2) »-B ⁺ ¼{
o½mQB ⁻ JB@T]A	yzhM ¥MB> o¼“
JB@T]A ¥MB> o¼“	(2) ¬B½±e“°nj
³]B—	(2) ¥T>
²BLT{A °Ak>A	(5) jAk¼M
nBM •wBU	y ⁻ pow ¥MB>
	¥T>
	»Tv½n°oU
	°jrAoU

جدول ۱ عناوین مختلفی را برای تشریح اقدام مشابه نشان می دهد .
 (۱) کلمات شدید اللحنی که در روزنامه های نیوزیک و تایم در سال ۱۹۸۳ توسط ایالات متحده در تشریح اقدام شوروی بکار گرفته شد (نقل از گلدینگ و دیگران ۱۹۸۷) (۲) کلمات ملایم که در روزنامه های گاردین ، تایمز ، دیلی اکسپرس و دیلی میروور در سال ۱۹۸۸ برای تشریح اقدام آمریکا بکار گرفته شد.

ماشینهای تبلیغاتی آمریکا در ویتنام و ایران و کشورهای دیگر کوشیده اند اخبار را برای مقاصد مختلف کنترل و دستکاری کنند : اول اینکه، آنها یک هدف را دنبال می کنند ، دوم اینکه آنها می خواهند از طریق نفوذ و ترغیب افراد ، نگرشها و رفتار را تحت تأثیر قرار دهند، سوم اینکه، آنها به ارائه متعادل اخبار و عدم سوگیری و جانبدای علاقمند نیستند، زیرا آنها خود درگیرند و بی طرف نیستند

تبلیغات در متن

برای توجیه بحث "دفاع مشروع"، ایالات متحده و بعضی از مفسرین غربی، مطبوعات را از اطلاعات گمراه کننده در باره آنچه روی داده بود، پر کردند. تحقیقات بخوبی نشان داده است (دورمن و فرهنگ، ۱۹۸۷، اپستین، ۱۹۷۵، نایتلی، ۱۹۸۲) که ماشینهای تبلیغاتی آمریکا در ویتنام و ایران و کشورهای دیگر کوشیده‌اند اخبار را برای مقاصد مختلف کنترل و دستکاری کنند: اول اینکه، آنها یک هدف را دنبال می‌کنند، دوم اینکه آنها می‌خواهند از طریق نفوذ و ترغیب افراد، نگرشها و رفتار را تحت تأثیر قرار دهند، سوم اینکه، آنها به ارائه متعادل اخبار [و عدم سوگیری و جانبداری] علاقمند نیستند، زیرا آنها خود درگیرند و بی طرف نیستند (مریل و دیگران، ۱۹۷۹). بعضی از روزنامه نگاران بریتانیایی که برای مطبوعات کیفی کار می‌کنند اعتقاد دارند که آمریکائیه‌ها تلاش می‌کنند، اخبار را دستکاری کنند بویژه هنگامی که خودشان به طور مستقیم درگیرند (بولوچ، مورتیمر، و موریس، ۱۹۹۰). گروه تحقیقاتی آمریکائی پس از ۵۰ روز تحقیق، به این نتیجه رسید که بیشتر آنچه آمریکائیه‌ها درباره سرنگونی ایرباس می‌گفتند، درست نبود. به سخنی دیگر، آنها فاقد هر گونه اعتبار بودند و این همان نکته ای است که ما در تحلیل خود، بویژه در هفته اول پوشش خبری به آن پی بردیم.

اما در این مرحله ما می‌کشیم مفاهیم تبلیغاتی را که مطبوعات بریتانیا تلاش داشتند در روند پوشش خبری بدان تکیه کنند، مشخص سازیم.

اول آنکه، سیستم ایجیس راداری* ناو وینسنس ایالات متحده تأیید کردند که هواپیما، جت جنگنده اف ۱۴ بود (۱۵ در صد، به جدول ۲ رجوع کنید).

دوم، سرنگونی هواپیمای ایرباس ایرانی پس از درگیریهای دریایی بین ناو وینسنس ایالات متحده، و مونتگومری اتحاد شوروی از یک سو و قایقهای توپدار ایران از سوی دیگر (۱۴ در صد) صورت گرفت. سوم اینکه، از طریق کانالهای نظامی و غیر نظامی چندین بار به ایرباس ایرانی اخطار داده شد، اما هشدارها (۱۰ در صد) را نادیده گرفت. چهارم اینکه، ایرباس ایرانی خارجی از کریدور هوایی مشخص شده بین المللی که باید در آن باشد (۱۰ در صد)

* Radar Aegis System

قرار داشت. پنجم اینکه، دستگاه گیرنده ایرباس سیگنالهای نظامی (۱۷ در صد) را از خود مخابره کردند و کامپیوتر ایجیس آنرا هواپیمای دشمن تصور کرد (۹ در صد). ششم، ایرباس با ارتفاع ۷۰۰ پا و سرعت زیاد ۴۵۰ گره و در یک وضعیت تهاجمی به طرف ناو وینسنس در حرکت بود. در اینجا، تئوریهای کامیکاس* که توسط بعضی از مقامات ایالات متحده مطرح گردیده بود، در همان زمینه دنبال شد. هفتم، ایرباس ایران از فرودگاه نظامی مشترک غیر نظامی - نظامی پرواز کرد و عازم "منطقه جنگی" (۵ در صد) گردید. هشتم، اشتباه (۴ در صد) این حادثه بر عهده خلبانی است که نمی دانست بطرف یک منطقه جنگی در حرکت است. همچنین، کاپیتان ناو جنگی آمریکایی مورد بازخواست قرار گرفت (۳ در صد) زیرا بدقت جدول پرواز را مطالعه نکرده بود.

به هر حال، این مفاهیم تبلیغاتی و سایر ایده‌ها، در مطبوعات بریتانیا به شیوه‌ای غیر منتقدانه و در شرایطی مطرح گردید که مسئولیت حادثه را به عهده ایران می‌گذاشت.

درصد	تعداد	ایده‌های تبلیغات در متن
۱۵	۳۰	۱- تصور می‌شد ایرباس هواپیمای جت اف ۱۴ است
۱۴	۲۹	۲- درگیریهای قبلی دریایی با نیروی دریایی ایران
۱۰	۲۱	۳- ایرباس اخطار را نادیده می‌گیرد
۱۰	۲۰	۴- ایرباس از مسیر خود خارج شده است
۹	۱۸	۵- اشتباه کامپیوتری (ایجیس)
۷	۱۵	۶- دستگاه گیرنده، سیگنالهای نظامی را مخابره می‌کند
۵	۱۵	۷- ایرباس بطرف ناو وینسنس آمریکا پایین می‌آید
۵	۱۱	۸- هواپیمای غیرنظامی در منطقه جنگی
۵	۱۱	۹- صعود ایرباس
۴	۹	۱۰- سرعت زیاد در ۴۵۰ گره
۴	۷	۱۱- اشتباه خلبان
۳	۶	۱۲- اشتباه کاپیتان
۳	۶	۱۳- مسیر صحیح ایرباس
۲	۵	۱۴- دستگاه گیرنده خاموش بود
۱	۲	۱۵- ایرباس از فرودگاه مشترک نظامی - غیر نظامی برخاست.

* Theories Of Kdmicase

۱۶- غیره	۱	۱>
----------	---	----

توجه به اقدامات تلافی جویانه ایرانیها در انتقام از "خون شهدای خود" موجب شد دولتهای غربی و مردم هر لحظه در انتظار حمله ایرانیها به اهداف غرب باشند. مطبوعات بریتانیا بر رعایت احتیاطهای امنیتی تاکید نمود و آنرا بخشی از پوشش خبری قرار داد.

گفتمان تهدید

مطابق این مفاهیم تبلیغاتی، مطبوعات غرب، ایرانیان را در متن انتقام از غرب، بویژه ایالات متحده، و نیز در متن گروگانهای غربی در لبنان توسط "متعصبین"، افراط‌گرایان "و" رادیکالها " در ایران بتصویر کشیدند.

توجه به اقدامات تلافی جویانه ایرانیها در انتقام از "خون شهدای خود" موجب شد دولتهای غربی و مردم هر لحظه در انتظار حمله ایرانیها به اهداف غرب باشند. مطبوعات بریتانیا بر رعایت احتیاطهای امنیتی تاکید نمود و آنرا بخشی از پوشش خبری قرار داد. بحث تهدید در مطبوعات در قالب عناوین، سرفصلها، متن، تحلیل، سرمقالات، تفاسیر، انتظارات و تصاویر مطرح گردید. بطور کلی سه شکل تهدید را میتوان ترسیم نمود و این اشکال را می توان به شکل زیر خلاصه نمود.

۱- انتقام ایران از غرب. این شکل از تهدید شامل بحث "جنگ با استفاده از تمام قوا" توسط آیت ا... خمینی می باشد. مطبوعات، آیت ا... خلخالی را که در رسانه‌های آمریکا به عنوان "قاضی اعدام‌گر" مطرح شده بود، تحت تمرکز تبلیغاتی خود قرار دادند (ماک‌گوری، ۹۰) و پیش بینی کردند که او ممکن است مسئولیت انتقام را بر عهده داشته باشد.

۲- سرنوشت گروگانهای غربی در لبنان. مطبوعات این موضوع را مورد توجه قرار داد و پیش بینی کرد که ایران ممکن است بخاطر انتقام‌جویی، گروگانها را از بین ببرد.

۳- حملات علیه منافع غرب، بویژه علیه منافع ایالات متحده در سرتاسر جهان. این مسئله گروگانهای آمریکایی در بیروت و کشتی‌های غیر نظامی را در بر می گیرد.

مطبوعات از طریق این سه شکل تهدید، در متن تنش پیوسته بین ایران و غرب، به این

تهدیدات پرداخت. "الفاظ عوام فریبانه" یا "ما" و "انها" چهار روزنامه، بویژه پاپیوله پرس، دلیلی اکسپرس و دیلی میرور را تحت تاثیر قرار داده بود، و این مسئله در عناوین گزارشهای جدید و سر مقالات دنبال گردید.

نتیجه گیری

تحلیل حادثه از طریق عناوین خبری و سر مقالات در چهار روزنامه بریتانیایی نویسنده را بر آن داشت تا به دو روند عمده پی ببرد. اولین روند آن بود که همانطور که تسلط منابع آمریکایی بر پوشش (۴۱ در صد) خبری نشان می دهد، چهار روزنامه مذکور تکرار همان تفاسیر آمریکایی بود، که اشتباه این فاجعه را عمدتاً به عهده ایران و تا اندازه ای به تکنولوژی (سیستم موشکی ایجیس) می گذارد. ایالات متحده موضوع "دفاع مشروع" را مطرح نمود و ایران را مسئول حادثه می دانست. مطبوعات بریتانیا

دولت ایالات متحده پس از ۵۰ روز تحقیقات در باره این حادثه، تفاسیر خود را ۱۸۰ درجه تغییر داد و فاش کرد که این حادثه به سبب "خطای انسانی" روی داد روند

تبلیغات ایالات متحده را نشان می داد و تفاسیر و تحلیل‌های خود را بر مبنای گفته های دولت ایالات متحده و کارشناسان غربی قرار دادند. دولت ایالات متحده پس از ۵۰ روز تحقیقات در باره این حادثه، تفاسیر خود را ۱۸۰ درجه تغییر داد و فاش کرد که این حادثه به سبب "خطای انسانی" روی داد روند دوم، این بود که پوشش خبری پیش از آنکه به تشریح حادثه پردازد، ایران را هدف بحث تهدید خود قرار داد، برای نمونه هواپیمای ۶۵۵ ایران تهدیدی برای ناو وینسنس ایالات متحده بود: ایرانیها تلافی خواهند کرد، آنها علیه غرب حمله خواهند کرد و بعضی از گروگانها در بیروت را خواهند کشت. ایرانیها به جای اینکه قربانی باشند، قربانی کننده هستند.

وضعیت تعامل بین مقامات غرب و مطبوعات در مورد هواپیمای ۶۵۵ ایران، را به عنوان یک کشور غیر منطقی و جنگ طلب و غرب را به عنوان کشوری صلح دوست ترسیم کرده که به خلیج آمده تا موجبات صلح و آرامش را فراهم سازد.

1. Crossed Wires, IIRCAGS, Pares, 1984.
2. Dorman W.A and Farhang M., The US Press and Iran- Foreign Policy and the Journalism of deference, USA: University of California, 1987.
3. Epstein, E.J., Between Facts and Fiction-The Problem of Journalism, New York: Vintage Books, 1975.
4. Hall, S., Policing the Crises, London: Macmillan Press, 1978.
5. Hansen, A. and Murdock, G. "Constructing The Crowd: Populist discourse and Press Presentation", 1983.
6. Herman, E. "Gate keeper Versus Propaganda Models: A Critical American Perspective", in Golding et al, Communicating Politics, Leicester University Press, 1986.
7. Knightley, P. The first Casualty, London: Quartet Books, 1982.
8. McNair, Brian "Shoot down-accidents don't Just happen" in New Statesman and Society, 1988.
9. Merrill, John C. et al Media, Messages and Men, New York: Longman, 1979.

Interviews

- Bulloch, John, Diplomatic Editor, The Independent on Sunday, March 1990
- Coivin, Marie, Middle East Correspondent, The Sunday Times, March 1990.
- Mcgrory, Daniel, Chief Foreign Correspondent, The Daily Express, February 1990.
- Morris, Harvey, Middle East Correspondent, The Independent, March 1990.
- Mortimer, Edward, Columnist, The Financial Times, February 1990.
- Woollacott, Martin, Foreign Editor, The Guardian, February, 1990.